

## عهدنامه‌های جهانی مرتبط با حقوق مالکیت فکری و توسعه دانش بنیان در ایران

حمید محسنی

عضو هیئت علمی مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره)، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران. رایانامه: nashreketabdar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

صص: ۵۱-۶۳

### چکیده

این مقاله درباره اهمیت مالکیت فکری در توسعه دانش بنیان و مهم‌ترین دلایل لزوم عضویت ایران در عهدنامه‌های جهانی مرتبط بحث می‌کند. دیدگاه‌های مخالفان احتمالی عضویت در این عهدنامه‌ها و سهیل‌انگاری در اجرای قوانین ملی نیز تحلیل شده است. از جمله پرسش‌های مهم این است که آیا «منافع» فرضی و ادعاشده مخالفان اساساً مبتنی بر «حقوق قانونی، انسانی، شرعی، و جهانی» مصرف‌کنندگان یا تولیدکنندگان اطلاعات است یا خیر؟ آیا برای حفظ بیشتر «منافع» و «حقوق» همه افراد و جامعه راه‌حل‌های بهتری وجود دارد؟ در این مقاله استدلال شده که ادامه سیاست‌های جاری در زمینه حقوق مالکیت فکری با حقوق انسانی، ملی و جهانی در تضاد است، نامشروع و برخلاف مستندات دینی است، با عقل و منطق در تعارض است، در تضاد با مصالح و منافع ملی است و برخلاف تجربه‌های ملی و جهانی است و حتی با منافع مصرف‌کنندگان اطلاعات نیز منافات دارد. همچنین استدلال شده است که هم‌کنشی و هم‌زمانی برخی از تغییرات فنی و اجتماعی، به‌ویژه در صنعت اطلاعات، ارتباطات و نشر، باعث شده است تا به بهانه عدم عضویت ایران در این عهدنامه‌ها، در بازار ملی تولید و مصرف کالاها و خدمات دانشی و حتی غیردانشی نیز اختلال ایجاد شود و کل جامعه با چالش‌های بزرگی روبرو باشد.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق مالکیت فکری؛ عهدنامه‌های جهانی؛ توسعه دانش بنیان؛ انتقال دانش؛ حقوق نسخه‌برداری.

## مقدمه

پژوهش‌هایی انجام شد. نگارنده در همان سال درگیر تهیه مستندات ملی و جهانی در این زمینه در حوزه کشاورزی بود. در نهایت، در سال ۱۹۹۶ هیئت دولت رسماً عضویت در سازمان تجارت جهانی را درخواست کرد. در سال ۲۰۰۵ عضویت ایران در این سازمان به‌عنوان عضو ناظر پذیرفته شد اما هنوز عضویت نهایی ایران پیشرفتی نداشته است.

نگارنده معتقد است تعارض در سیاست‌ها و راهبردهای مدیران و رهبران کلان کشور در زمینه حقوق مرتبط با مالکیت فکری در سطح ملی و جهانی، مهم‌ترین دلیل بر این نپیوستن است. برای مثال، گروهی عضویت در موافقت‌نامه‌های مربوط به حق نسخه‌برداری را مخالف با دسترسی آزاد و کم‌هزینه مردم به اطلاعات و تهدیدی برای صنعت نشر کشور می‌پندارند (محمدیگی، ص. ۱۳۷-۱۸۵). چنین نگرشی نه تنها حقوق مالکان آثار فکری در سایر کشورها را پایمال می‌کند بلکه حقوق این قشر در کشور خودشان، و حتی خود دانش‌کاران و متخصصان دیگر، را به بهانه منافع عمومی در اختیار همان دیگران یا کشورهای دیگر قرار می‌دهد. زیرا بهانه‌ای می‌شود تا برون‌دادها و نیروهای فکری کشور بدون ملاحظه حقوق تولیدکنندگان آن‌ها، تکثیر یا جذب شوند. در واقع، صاحبان آثار فکری کشورها، نهادهای دانشی و دانش‌کاران، و نیز خود کشور، قربانی اصلی چنین نگرشی است. همچنین، نپیوستن به این عهدنامه‌ها، مبادله جهانی اطلاعات و کالاها و خدمات دانشی و غیردانشی را تقریباً ناممکن (محسنی، ۱۳۸۸، ص. ۴۰۱) و انتقال علوم و فنون به کشور و نوآوری‌های علمی و فنی را نیز با مشکل روبرو می‌کند. آذرنگ (۱۳۸۹، ص. ۱۰۹) معتقد است حق نشر، در سرشت خود، حقی است جهانی، به‌هم پیوسته، جدایی‌ناپذیر، در کلیت منسجم، که با آزادی‌های حقوقی و جهانی بشر و آزادی بیان و قلم و حقوق همه انواع کالاهای فرهنگی پیوند دارد. نوشته‌های کریم امامی (۱۳۸۵، ص. ۲۹۳-۳۶۹) در زمینه

حقوق مالکیت فکری در ایران و به‌ویژه چندوچون پیوستن یا نپیوستن ایران به عهدنامه‌های مرتبط با آن، از جمله چالش‌هایی است که همواره حوزه‌های گوناگون علمی، فنی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران در سطوح گوناگون درگیر آن بوده‌اند. روشن است که سیاست‌مداران و مدیران کلان کشور در وضعیتی دوگانه و تعارض ناشی از آن هستند. سال‌هاست که ایران به‌طور رسمی عضویت در سازمان جهانی تجارت را درخواست کرده است. از شرایط مهم عضویت در این سازمان، امضای عهدنامه ترپس (جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری)<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) است. در این عهدنامه تصریح شده است که کشور متقاضی عضویت در سازمان تجارت جهانی باید در همه عهدنامه‌های جهانی مرتبط با مالکیت فکری و حقوق نسخه‌برداری، به‌ویژه سازمان جهانی مالکیت فکری / وپو<sup>۲</sup> عضو باشد.

بحث‌های مربوط به عضویت در موافقت‌نامه‌های سازمان یادشده و مزایا و معایب آن، همواره در مجامع علمی و رسمی ایران مطرح بوده است (آذرنگ، ۱۳۸۱) زیرا ارتباطات فرهنگی و اقتصادی در سطح جهانی مستلزم پیوستن و عضویت در بسیاری از موافقت‌نامه‌ها، اتحادیه‌ها و سازمان‌های مرتبط است. به همین دلیل، در سال ۱۳۷۶ معاونت فرهنگی وزارت ارشاد پژوهشی انجام داد تا تأثیر پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی از نظر حقوق نسخه‌برداری و مسائل نشر ایران بررسی شود. نتایج این پژوهش نشان داد که در درازمدت عضویت در این موافقت‌نامه‌ها به نفع کشور و به‌خصوص تولیدکنندگان آثار فکری است. در این پژوهش، تأثیر فتوای امام خمینی (ره) مبنی بر شرعی نبودن اصل حق مؤلف را یکی از دلایل اصلی عدم توجه به مسئله حقوق نسخه‌برداری در پس از انقلاب اسلامی می‌داند (محمدیگی، ص. ۱۳۷-۱۸۵). در همان سال، در دیگر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها، از جمله وزارت جهاد سازندگی نیز درباره مزایا و معایب پیوستن به سازمان تجارت جهانی

1. Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

2. World Intellectual Property Organization (WIPO)

حقوق و منافع مشروع دیگری، حقوق یا منافع همه را تأمین کند؟ در این مقاله، ضمن بررسی این پرسش‌ها استدلال شده است که ادامه سیاست‌های موجود در زمینه حقوق مالکیت فکری در سطح ملی و جهانی با حقوق انسانی، ملی و جهانی در تضاد است، نامشروع و برخلاف مستندات دینی است، برخلاف عقل و منطق است؛ برخلاف مصالح و منافع ملی است، با تجربه‌های ملی و جهانی در تضاد است و حتی با منافع مصرف‌کنندگان اطلاعات مغایرت دارد. همچنین، استدلال شده است که تغییرات فنی در صنعت اطلاعات، ارتباطات و نشر همگام با تغییرات اجتماعی سبب شده است تا به بهانه عضو نبودن ایران در این عهدنامه‌ها، در بازار ملی تولید و مصرف کالاها و خدمات دانشی و حتی غیردانشی نیز اختلال ایجاد شده و کل جامعه با چالش‌های بزرگی روبرو شود.

### دامنه ناآگاهی مدیران

در مقدمه اشاره شد که ناآگاهی سیاست‌گذاران و مدیران کشور درباره مالکیت فکری و اهمیت آن در تولید و انتقال دانش علمی و فنی و نقش آن در توسعه صنعت، کشاورزی، خدمات و دیگر حوزه‌های خرد و کلان، از مهم‌ترین موانع به‌شمار می‌آید. حقوق مالکیت فکری، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات ملی و جهانی است که بر روابط بین افراد، نهادها و کشورهای درگیر در تولید و مصرف انواع محتواها و دانش علمی، فنی، ادبی و غیره (از جمله شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، سازمان‌ها، پژوهش‌گران، دانشمندان، مؤلفان، نقاشان، عکاسان، طراحان، خبرنگاران، برنامه‌نویسان، مترجمان، بازیگران، کارگردانان، مخترعان، و نیز مصرف‌کنندگان و کل جامعه) نظارت دارد. سازمان جهانی مالکیت فکری، وابسته به سازمان ملل، بیش از ۲۳ عهدنامه مستقل جهانی را مدیریت می‌کند. این مقررات همه انواع منابع مکتوب علمی و غیرعلمی، موسیقی، نقاشی، عکس، طرح‌های صنعتی، پروانه‌های ثبت اختراع، و غیره را شامل می‌شود. نام و نشان افراد و شرکت‌ها، ابداعات علمی و

حقوق نسخه‌برداری و طرح برخی از دعوایها و اختلاف‌نظرها در این زمینه در قبل و بعد از انقلاب جالب توجه و خواندنی است. باید با نگاهی انتقادی، مجموعه دیدگاه‌های موافقان و مخالفان در این زمینه جمع‌آوری و تحلیل شود. سیاست‌های موجود ایران در برابر عهدنامه‌های جهانی مرتبط با مالکیت فکری، از جهاتی با سیاست‌های حمایت‌ظاهری از مصرف‌کنندگان قابل مقایسه است که اغلب حقوق تولیدکنندگان انواع کالاها و خدمات را ضایع کرده است.

به نظر می‌رسد مدیران علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور و حتی نهادهای مسئول در این حوزه، از مالکیت فکری، حقوق نسخه‌برداری و موافقت‌نامه‌های مرتبط با آن‌ها شناخت دقیقی ندارند تا حدی که اغلب حقوق نسخه‌برداری را با حق مؤلف یکی می‌دانند و بیشتر از کلمه حق مؤلف به جای حق نسخه‌برداری و گاهی مالکیت فکری استفاده می‌کنند. البته گروهی با آگاهی از دامنه معنایی این واژه، آن را به کار می‌برند. دامنه آگاهی مدیران کشور درباره دامنه شمول حقوق مالکیت فکری در حوزه صنعت و خدمات و اهمیت آن در تولید و انتقال دانش علمی و فنی در سطح ملی و جهانی نیز محدود و حتی ناقص است که سعی می‌شود در این مقاله به برخی از این مصداق‌ها اشاره شود.

برخی از مخالفان عضویت در عهدنامه‌های جهانی مرتبط با مالکیت فکری ممکن است ادعا کنند که در صورت پیوستن ایران به این عهدنامه‌ها برای حقوق یا منافع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان محتوا، تولید و انتقال دانش و فناوری، و به‌طور کلی، منافع ملی مشکلاتی ایجاد شود. از جمله پرسش‌های مهم این است که آیا «منافع» فرضی و ادعاشده مخالفان اصلاً با «حقوق» قانونی، انسانی، شرعی و جهانی مصرف‌کنندگان یا تولیدکنندگان اطلاعات مرتبط است یا خیر؟ آیا برای حفظ «منافع» و «حقوق» همه افراد و جامعه راه‌حل‌های بهتری وجود دارد؟ آیا برای حفظ تا حد ممکن «منافع» و «حقوق» افراد و جامعه راه‌حلی متعادل وجود ندارد که بتواند بدون پایمال کردن

خواهد داد یا عاید آن‌ها خواهد کرد. جاسوسی صنعتی یکی از مصداق‌های همین نوع رقابت در سطح ملی و جهانی است.

قوانین مرتبط با حفاظت از مالکیت فکری در پی حمایت از مالکیت افراد و نهادهایی است که مالک محتوای فکری هستند و برای دسترسی به علوم و فنون تازه نیز هزینه می‌کنند. تعارض موجود در سیاست‌های مرتبط با مالکیت فکری در ایران نشان می‌دهد که بیشتر افراد و نهادهای قانون‌گذار، سیاست‌گذار، تصمیم‌گیر، مجری، ناظر و مانند آن با ابعاد گوناگون و پیچیده مالکیت آشنا نیستند یا از مشاوره متخصصان این حوزه استفاده نمی‌کنند. تحلیل محتوای واژه‌ها و اصطلاحات مرتبط با حقوق نسخه‌برداری و مالکیت فکری در متون مختلف می‌تواند نتایج مفیدی در این زمینه داشته باشد. در ادامه به چند نمونه از ارتباط مستقیم مالکیت فکری با توسعه ملی و انتقال علوم و فنون اشاره می‌شود که در عین حال، از ناآگاهی مدیران کشور در این زمینه حکایت دارد.

در سال ۱۳۹۵ شرکت آدیداس برای طراحی و تولید لباس تیم ملی فوتبال ایران (و بعد از نارضایتی از کیفیت لباس‌های تولیدی شرکت ایتالیایی برای تیم ملی ایران) برای سال اول ۶۵۰ تا ۷۰۰ هزار دلار درخواست کرد. رئیس فدراسیون به سرعت این پیشنهاد را رد کرد و از همکاران خود خواست تا شرکت‌هایی را بیابند که برای این طراحی به ایران پول هم بدهند! شرکت آدیداس که با تخفیف بیش از ۱ میلیون دلار راضی به عقد قرارداد با فدراسیون فوتبال ایران شده بود به صراحت اعلام کرد که با توجه به عدم رعایت کپی‌رایت، حضور در بازار ایران هیچ جذابیت و درآمدی برایش ندارد. این شرکت ژاپن را مثال زد که با فروش پیراهن بازیکنان محبوب و همچنین صادرات جنس‌های اصل چه درآمدی برایش به همراه دارد (روزنامه همشهری، ۱۳۹۵، ص. ۱۸).

امضای قرارداد تولید و صادرات پوشاک با ۱۲ نشان خارجی (همشهری، ۱۳۹۵، ش ۷۰۵۷، ص. ۴) عنوان خبر دیگری است که با مالکیت فکری مرتبط است. توجه داشته باشید که قوانین و

فنی، آداب و رسوم، طرح لباس و پوشاک، طرح‌های صنعتی و معماری، نرم‌افزارها، پایگاه‌های اطلاعاتی، و در مجموع، هرگونه محصول و ابداع فکری نیز تحت حمایت حقوق مالکیت فکری قرار دارند. حقوق نسخه‌برداری یا کپی‌رایت بخشی مهم از حقوق مالکیت فکری است اما همه آن نیست. حق مؤلف تنها بخشی از همین حقوق نسخه‌برداری است که در ایران اغلب به جای آن به کار می‌رود! گاهی حتی همین اصطلاح ناقص حق مؤلف را برای حوزه‌های صنعتی نیز به کار می‌برند. بسیاری از مدیران ناآگاه، بدون نگاهی جهانی و چندبعدی به تولید کالاها و خدمات و با توهم جاذبه بازار بزرگ ایران، فکر می‌کنند بدون الزام حقوقی و قانونی و احترام به مالکیت فکری در سطح ملی و جهانی می‌توانند کشورها و شرکت‌ها را راضی کنند تا علوم و فنون روز جهان را به کشور منتقل کنند. تجربه ملی نشان می‌دهد آن‌ها اغلب در این زمینه‌ها شکست خورده‌اند و یا فناوری‌هایی را با هزینه‌های به مراتب بالاتر به کشور منتقل کرده‌اند که دیگر باید دور ریخته می‌شد.

بسیاری از مدیران و سیاستمداران رده‌بالای کشور گاهی از کشورها و شرکت‌های دیگر گله می‌کنند که علوم و فنون خود را در اختیار ما قرار نمی‌دهند و بدین ترتیب آن‌ها را مواخذه می‌کنند. این دسته از مدیران قطعاً نسبت به مناسبات جهانی تولید علوم و فنون، هزینه بالای دسترسی به تازه‌های علمی و فنی، رقابت سخت و فشرده کشورها و شرکت‌ها، و گاهی تحمل شکست و ورشکستگی آن‌ها ناآگاهی نداشته و تنها انتظار دارند بدون پرداخت هزینه‌های فوق و بدون توجه به حقوق مالکیت دیگران به راحتی به این فناوری‌ها دست یابند. آن‌ها این سیاست‌ها و رفتارها را اغلب به حساب سیاست‌های امپریالیستی یا دوستی و دشمنی کشورها می‌گذارند. در حالی که این همه واقعیت نیست. برای دسترسی به علوم و فنون تازه با هزینه‌هایی سرسام‌آور، بین همه کشورهای دوست و دشمن و حتی بین شرکت‌ها، افراد و نهادهای داخلی هر کشور نیز رقابت سختی وجود دارد و گاهی خطا یا غفلت از چیزی یا هشیاری طرف مقابل، میلیاردها دلار ثروت را بر باد

در مقابل سیاست‌های پولی و بودجه‌ای تأکید دارد. زیرا تجربه نشان داده است که سیاست‌های بودجه‌ای و پولی انبساطی و حجم عظیم درآمدهای ارزی نتوانسته است برای ایرانیان کامیابی به ارمغان آورد. به نظر او، قانون کار، قانون تجارت، قانون بانکداری بدون ربا، قانون توزیع آب، دیوان‌سالاری اداری، حقوق مالکیت و غیره از جمله حوزه‌هایی است که باید اصلاح شوند.

این خبر شاید به نظر کم‌اهمیت باشد اما نشان از اهمیت برخی از جنبه‌های حقوق مالکیت فکری در صنعت گردشگری دارد: درخواست برای ثبت زغال‌اخته به نام الموت. معاون باغبانی وزارت جهاد کشاورزی با اشاره به این که ۸۵ درصد این محصول در قزوین تولید می‌شود می‌توان نشان جغرافیایی این محصول را به نام الموت قزوین ثبت کرد (همشهری، ۱۳۹۵، ص ۷).

ثبت شخصیت‌های تاریخی، نشان‌های جغرافیایی، مکان‌های فرهنگی و تاریخی (روستاهایی چون اورامانات، ماسوله و مانند آن) همگی زیرمجموعه برخی از عهدنامه‌های جهانی است که مستقیم یا نامستقیم با مالکیت فکری ارتباط دارد. برای مثال، موافقت‌نامه لیسبون برای حفاظت از نام اولیه یا منشأ و ثبت جهانی (نام جغرافیایی مرتبط با نام محصولات) و زیرمجموعه سازمان جهانی مالکیت فکری تدوین شده است.

به‌طور کلی، یکی از دلایل بسیار مهم برای استقبال نکردن شرکت‌های بزرگ برای حضور در انواع نمایشگاه‌های جهانی برگزارشده در ایران، انتقال علوم و فناوری به ایران، یا تولید کالاها و خدمات خود در ایران نیز به همین مسئله پایبند نبودن ایران به حقوق مالکیت فکری و عهدنامه‌های جهانی مرتبط با آن است. بدیهی است حضور ناشران، شرکت‌ها، و تولیدکنندگان ایرانی در نمایشگاه‌ها و بازارهای بزرگ جهانی نیز دستاورد مناسبی نخواهد داشت.

## دلایل فنی - حقوقی ضرورت عضویت ایران در

### عهدنامه‌های ویپو

تا زمان‌هایی نه‌چندان دور به نظر می‌رسید که می‌توان

حقوق مرتبط با مالکیت فکری تنها برای اشاره به مسائل مرتبط با تولید و توزیع کتاب و محتواهای چاپی و غیرچاپی، فیلم و سایر محتواهایی از این دست نیست. استفاده از محتواهای دیگران برای اهداف شخصی و تجاری، انواع ابداعات و نوآوری‌هایی که به نحوی در تولید انواع کالاها و خدمات و هر صنعتی کاربرد دارند، طرح‌های صنعتی، معماری، طراحی انواع لباس و پوشاک، نمادها/ نشان‌ها/ نشانام‌های تجاری، و مانند آن نیز زیر پوشش قوانین مرتبط با مالکیت فکری و حقوق نسخه‌برداری/ تکثیر قرار دارند. واردات پوشاک قاچاق زیر پرچم نشان‌واره برخی نشانام‌های خارجی پوشاک و اجحاف برخی فروشگاه‌های فاقد نمایندگی رسمی نشانام‌های خارجی در حالی ادامه دارد که معاون اشتغال و توسعه کارآفرینی وزیر کار، عیسی منصوری از امضای ۱۲ قرارداد تولید پوشاک با نشانام‌های خارجی در کشورمان خبر داد.

الزام نشانام‌های خارجی پوشاک به تولید داخل و صادرات محصولات آن‌ها پیش شرطی است که وزارت صنعت، معدن و تجارت برای فعالیت نشانام‌های خارجی در کشور تعیین کرده است. اما در مرحله اجرا، این دستورالعمل با موانع تازه‌ای روبرو شد تا جایی که یدالله صادقی، سرپرست معاونت امور اقتصادی و بازرگانی وزارت صنعت، معدن و تجارت از بن‌بست‌های فنی و اقتصادی طرح الزام نشانام‌های خارجی پوشاک به تولید داخل و صادرات خبر داده است. به گفته او، برخی از نشانام‌های اصلی پوشاک خارجی، سرمایه‌گذاری و تولید پوشاک در کشورمان را به پذیرش برخی عهدنامه‌ها و فراهم کردن زیرساخت‌های لازم حواله داده‌اند. با توجه به اینکه برخی نمایندگی‌های پوشاک خارجی محصولات، چند نشان مختلف را به شکلی محدود عرضه می‌کنند و برای نشانام‌های خارجی تنها سرمایه‌گذاری برای تولید انبوه محصولات خود در یک کشور و توزیع آن در سراسر دنیا مقرون‌به‌صرفه است، بنابراین به ایران نمی‌آیند.

دکتر رضا بوستانی (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵، ص ۱) در سرمقاله «رمز کامیابی اقتصادی ایران»، بر اصلاح نهادهای مرتبط با اقتصاد

هر فردی می‌تواند آن‌ها را بازنشر کند. مسئله مهم دیگر این است که ترجمه این آثار به زبانی غیرفارسی کمتر مطرح است. حتی مخاطبان اصلی آن‌ها نیز خارج از مرزهای ایران نیستند. در واقع، این دسته از کنشگران تازه با اهدافی وارد بازار نشر شدند که تا حد زیادی با اهداف سنتی تولیدکنندگان محتوا، ناشران، نویسندگان، مترجمان، ویراستاران و غیره متفاوت است. هدف اصلی آن‌ها کمتر فروش این منابع است و عمدتاً افزایش تعداد کاربران و تبلیغات، هدف اصلی آن‌هاست اما با طعمه قرار دادن اطلاعات و محتواهای دیگران. البته کسب درآمد ناشی از فروش محتواهایی که مالک آن‌ها نیستند نیز مطرح است. اهداف سیاسی و گاهی فردی، رقابت ناسالم، و تخریب بازار این و آن نیز گاهی می‌تواند دخیل باشد. ناآگاهی از حقوق فردی و اجتماعی نیز می‌تواند از جمله دلایل برخی از کنشگران تازه باشد. برخی حتی ادعای آگاهی‌رسانی، آموزش و سایر فعالیت‌های غیرانتفاعی را نیز دارند. هر چه باشد باید همه این دلایل را با هزینه پایین تکثیر و توزیع محتوا در سطحی ملی و جهانی، خلأها و شکاف‌های قانونی و فنی، و نیز بی‌تفاوتی نهادهای قانونی در جلوگیری از اقدامات غیرمجاز ترکیب کرد. نتیجه آن روشن است: تهدید همان بازار محدود داخلی که قرار بود با سیاست درهای بسته و عدم پیوستن به عهدنامه‌های جهانی از آن محافظت شود. تشدید و تسریع پدیده فرار مغزها و سرمایه، و حتی افزایش بحران‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را هم باید به سیاست‌های جاری در حوزه مالکیت فکری کشور افزود.

باید به این نکته فنی نیز توجه داشت که برای دورزدن قوانین ملی مرتبط با مالکیت فکری کافی است محتوای موردنظر در پایگاهی نگهداری شود که در خارج از کشور قرار دارد یا این‌گونه به‌نظر آید و حتی ناشناس باشد. رد گم کردن، دورزدن قوانین و سوءاستفاده از خلأ یا شکاف بین قوانین ملی و جهانی، مصادیقی از اختلال در نظام تولید و مصرف اطلاعات در کشور هستند. شاید با عنوان‌های مجرمانه فوق بتوان ادعاهایی را نیز علیه آن‌ها در دادگاه‌ها مطرح کرد، زیرا بیشتر این کنش‌ها در داخل

براساس یک تصمیم ملی و یک‌سویه رابطه خود با نظام جهانی نشر اطلاعات و دانش را به شکلی تنظیم کرد که بیشتر منافع مصرف‌کنندگان ایرانی تأمین شود. همین‌طور تصور می‌شد که سیاست‌های تولید انواع کالاها و خدمات از جمله اطلاعات و دانش را می‌توان تنها به داخل مرزهای ملی محدود کرد و در عین ایمن بودن، منافعی نیز کسب کرد. در سیاست‌های جاری مرتبط با مالکیت فکری در ایران نیز همین نگاه غالب است: یعنی حقوق مالکیت فکری در داخل مرزهای ملی، حداقل در حد قانون، رسمیت دارد.

اما پیشرفت‌های فنی و اجتماعی در سطح ملی و جهانی، کنشگران تازه‌ای را پدید آورد که می‌توانند با استفاده از ابزارهای تازه و نیز خلأهای فنی و حقوقی جاری، بازار تولید و مصرف همان حوزه‌های محدود سنتی را نیز تهدید کنند که تا مدت‌ها حریم امن، محلی و ملی تلقی می‌شد. موضوعی که تا زمانی نه‌چندان دور در استدلال‌های موافقان و مخالفان عضویت یا عدم عضویت ایران در معاهدات جهانی مرتبط با حقوق مالکیت فکری اهمیت نداشت، همین عوامل فنی و تغییرات اجتماعی مرتبط با آن بود. امروزه همان راهبرد حقوقی که روزی ظاهراً کشور را منتفع می‌کرد، کارکردی کاملاً معکوس یافته است! مثلاً به همان دلیلی که مترجمان و ناشران ایرانی می‌توانند محتوای ناشران خارجی را بدون درگیری حقوقی و مالی ترجمه و در ایران منتشر کنند، آن‌سوی مرزها نیز می‌توانند چنین کنند. البته شاید سؤال شود که در گذشته نیز از نظر فنی و حقوقی امکان ترجمه و انتشار این منابع در بیرون مرزها وجود داشت. بهتر است این نکته معترضه مطرح شود که ترجمه یا عرضه منافع فارسی در کشورهای مقید به حقوق مالکیت فکری در حال از نظر خود آن‌ها ناحرفه‌ای و نااخلاقی تلقی می‌شود؛ جدا از این که بازار اقتصادی مطلوبی نیز نخواهد داشت.

اما نکته مهم اینکه امروزه با هزینه‌ای بسیار اندک می‌توان این منابع را بازتولید یا تکثیر کرد زیرا محدودیت‌های فنی، مالی، نرم‌افزاری و تخصصی آن به قدری کاهش یافته که تقریباً

و متناسب با کدام بافت اجتماعی استفتا کردند؛ این که پاسخ به استفتائات براساس کدام زمینه ذهنی و نیز متناسب با کدام بخش از مالکیت فکری بود؛ و نیز این که چگونه مدیران و سیاستمداران پاسخ‌های مرتبط با بخش کوچکی از این حوزه را به همه بخش‌های گسترده مالکیت فکری تعمیم دادند و برخی دیگر از پرسش‌های مهم و مرتبط با این بخش نیازمند چندین مطالعه مستند و مستقل دیگر است. اما بیشتر دیدگاه‌های مراجع دینی و مذهبی درباره مالکیت فکری را می‌توان به دو طیف گوناگون تقسیم کرد: تعدادی از مراجع، از جمله «امام خمینی» (رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران)، و آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی و صافی حق مالکیت فکری را اساساً غیرشرعی می‌دانند و معتقدند حق تألیف مشروعیت ندارد (بیان‌فر و عمادخراسانی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷). عده‌ای دیگر، از جمله رهبر انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای آن را دارای اعتبار شرعی می‌دانند (همان، ص. ۱۶).

برای این بخش از اختلاف نظرها باید گفت مالکیت و حقوق ناشی از آن در دین اسلام آن قدر اهمیت دارد که «خداوند توبه همه گناهان را می‌پذیرد، به جز حقوقی که از دیگران ضایع شود». مراجع دینی حتی «ضرر به جسمی که خود مالک آن هستیم را نیز حرام دانسته‌اند». حدیث‌های مرتبط با محافظت از حقوق مالکیت آحاد مردم، و حتی غیرمسلمانان در جامعه اسلامی آن قدر به وفور در منابع نقل شده است که نیازی به تکرار آن‌ها نیست. اما مستندسازی آن‌ها می‌تواند نتایج مهمی از نظر تغییر دیدگاه‌ها داشته باشد. مطالعه و مستند کردن باورها، عرف‌ها، سنت‌ها و حتی خواسته‌های گروه‌های مختلف ملی در این زمینه نیز خالی از فایده نیست.

تفاوت شکلی، محتوایی و کارکردی کالاهای اطلاعاتی موجب می‌شود تا برای شفاف کردن برخی از ابهامات و اختلافات احتمالی فوق چند پرسش مقدماتی زیر مطرح شود: آیا مبحث مالکیت و حقوق مرتبط با آن را می‌توانیم به کالاها یا محتوای فکری هم مربوط کنیم یا خیر؟ آیا کتاب و سایر

مرزهای ملی انجام می‌شود یا به نحوی دیگر با قوانین و مرزهای ملی ارتباط دارند. این تغییرات و چرخش‌ها نشان می‌دهد که چگونه تغییرات فنی در مرحله خاصی از بلوغ خود می‌تواند در ترکیب با خلأها و روزنه‌های حقوقی و قانونی، حریم امن برخی از حرفه‌ها و مشاغل خاص و حساس را در سطح ملی ناامن و بلکه نابود کنند: مشاغلی که آسیب به آن‌ها موجب ایجاد آسیب جدی به نظام آموزش و پژوهش، کیفیت نیروی کار، ابداع و نوآوری، شفافیت اطلاعات، امنیت و ناامنی اطلاعاتی و بلکه روابط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کل جامعه خواهد شد.

برای مقابله با این قبیل سوءاستفاده‌ها، در درجه اول باید قوانین و مقررات مرتبط با حقوق ملی نسخه‌برداری را اصلاح کرد، به عهدنامه‌های جهانی مرتبط با مالکیت فکری پیوست و برای نظارت بر اجرای آن‌ها اخلاق حرفه‌ای را رعایت کرد. برخی دیگر از نتایج سردرگمی و تأخیر در حل مشکلات مرتبط با مالکیت فکری عبارت‌اند از: افزایش رفتارهای غیرقانونی و طبیعی جلوه کردن نقض مقررات در نتیجه یک عادت فراگیر، ناتوانی در برخورد حقوقی و قضایی با برخی از کنش‌ها به دلیل رخنه‌های حقوقی، ایجاد ناامنی در تولید و مصرف اطلاعات، افزایش مشکلات افراد و نهادهای دانشی و کاهش اعتبار آن‌ها، افزایش مشکلات اقتصادی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان محتوا، و تخریب بیشتر وجهه جهانی کشور.

## تعارض رویکردهای جاری با سنت‌های دینی و اخلاق فردی و حرفه‌ای

همخوانی سیاست‌ها و کنش‌ها با دین یکی از شاخص‌های اساسی است که بعد از چرخش بزرگ سیاسی سال ۱۳۵۷ در ایران به سازوکار تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور وارد شد. مالکیت فکری از جمله حوزه‌هایی است که مراجع دینی عمدتاً براساس استفتای افراد به آن توجه کردند. این که چه کسانی، براساس چه زیربنای فکری،

مالکیت معنوی یا فکری هستند. این قوانین دو نوع حق یا حقوق را برای تولیدکننده یک محتوای فکری به رسمیت شناخته است: حقوق مادی و حقوق معنوی. برای نشان دادن اهمیت کالاهای اطلاعاتی بد نیست به این نکته اشاره شود که تولیدکننده یک کالای فکری «می تواند» و «این حق را دارد» که مالکیت مادی کالای اطلاعاتی خود را به دیگری منتقل کند اما مالکیت معنوی آن در هیچ شرایطی قابل انتقال نیست و همیشه و در هر شرایطی به تولیدکننده آن تعلق دارد.

نکته مهم دیگر درباره حرفه‌های مرتبط با علم و دانش این که به حدی در دین اسلام به دانش سفارش شده است که کسب آن را از کفار نیز جایز شمرده است. عالم، دانشمند، نویسنده، مترجم و غیره همگی اسم فاعل برای توصیف افرادی است که در کسب و کار علم و دانش هستند. افرادی که به کسب و کار علم مشغول‌اند مانند همه کسب و کارهای دیگر «حیب خدا» هستند و روایت‌های گوناگونی در حرمت و ارج و اعتبار آن‌ها وجود دارد. در واقع، تولید کالاهای خدمات فکری نوعی کسب و کار و حرفه است که نه تنها برای رشد فکری و اقتصادی جامعه جایگاه و اهمیت بالایی دارد بلکه بخش زیادی از مشاغل، حرفه‌ها و صنف‌های حساس و مهم را به خود اختصاص داده است. امنیت این حوزه شغلی، نیازمند توجه به قوانین مرتبط با مالکیت فکری است که در همه جهان به آن توجه ویژه می‌شود. مشاغلی که در واقع پیش‌ران جامعه و رشد و توسعه آن هستند.

استفاده غیرمجاز و بدون توجه به عرف و قانون از محتواهای دیگران در دنیای امروز نوعی سرقت است که از آن با عنوان سرقت محتوایی<sup>۱</sup> یاد می‌شود. سرقت محتوایی نه تنها غیراخلاقی و غیرحرفه‌ای است بلکه از نظر قانونی نیز جرم شمرده می‌شود. استفاده غیرمجاز و بدون استناد از منابع اطلاعاتی دیگران براساس قوانین کشور ایران جرم تلقی شده است و نه تنها جریمه مالی دارد بلکه حداقل ۶ ماه زندان برای آن پیش‌بینی شده است. قوانین جهانی و ملی بسیاری از کشورها نیز آن را غیراخلاقی و

محتوای فکری علاوه بر جنبه‌های معنوی یا فکری دارای ابعاد مادی نیز هستند یا خیر؟ آیا کتاب و سایر محتواهای فکری را می‌توان یک کالا با ابعاد مادی و معنوی قلمداد کرد و همین‌طور ارزش مادی و معنوی برای آن در نظر گرفت؟ آیا ابعاد مادی و معنوی این‌گونه کالاها موجب به رسمیت شناختن مالکیت برای این دسته از کالاها می‌شود یا خیر؟ در این صورت، آیا کالاهای اطلاعاتی، همانند سایر کالاها، از حقوقی مادی یا معنوی برخوردارند یا خیر؟ و آیا مالکیت و حقوق مرتبط با آن‌ها را ایجاد می‌کنند یا خیر؟ به نظر می‌رسد برخی از اختلافات موجود درباره حقوق مالکیت مادی و معنوی کالاهای اطلاعاتی همچون کتاب و غیره در جامعه، ناشی از کم‌وکیف پاسخ به همین سؤالات باشد.

نشان دادن این که کتاب و برخی دیگر از محتواهای فکری خاص، کالایی همچون دیگر کالاهاست شاید کار چندان دشواری نباشد (البته با شباهت‌ها و تفاوت‌هایی). اولین نشانه آن این است که از زمان‌های بسیار دور و بخصوص در سال‌های اخیر محتواها یا کالاهای فکری / معنوی مثل کتاب، مقاله، طرح‌های صنعتی، معماری، عکس، فیلم، نمایشنامه، و مانند آن‌ها هم از نظر عرفی و هم قانونی مانند سایر کالاها ثبت و مبادله می‌شوند و برای آن حتی سازوکار حقوقی و رسمی وجود دارد. اهمیت کالاهای اطلاعاتی و نیز پیچیدگی آن (از نظر تولید، مبادله و مصرف) موجب شده است تا فرایندهای حقوقی ثبت و ضبط و تضمین حفاظت از حقوق مرتبط با مالکیت، تولید و تکثیر کالاهای اطلاعاتی از سوی مالک یا نمایندگان قانونی او، از سایر کالاها بسیار پیچیده‌تر باشد. امروزه براساس قوانین جهانی و ملی همه کشورها (که اغلب برگرفته از عقل و عرف، و یا باورهای دینی و مذهبی است) تولیدکننده هرگونه محتوای فکری با ویژگی‌های محتوایی و شکلی خاص را مالک مادی و معنوی آن تلقی می‌کنند. ویژگی‌های شکلی و محتوایی و نحوه حمایت قانونی از کالاهای فکری را نیز قانون مشخص کرده است.

قوانین مرتبط با کالاهای فکری عمدتاً زیرمجموعه حقوق

1. plagiarism



می‌کند که نتیجه آن استهلاک سرمایه مادی و معنوی اجتماع و عقب‌ماندگی علمی/فنی/صنعتی/اجتماعی/فرهنگی و مانند آن در حوزه‌های گوناگون است.

### یافته‌ها

۱) ادعای مخالفان پیوستن به عهدنامه‌های مرتبط با مالکیت فکری بر تعارضی حکایت دارد که به عمد یا به سهو وارد آن نمی‌شوند. قوانین مالکیت فکری چه در سطح ملی و چه جهانی قرار است از «حق مالکیت افراد و نهادها» محافظت کند (و نه مصرف‌کنندگان غیرمجاز اطلاعات). به عبارت دیگر، موافقان پیوستن به عهدنامه‌های جهانی بر حفظ منافع و حقوق مالکان اطلاعات یا مالکیت فکری تأکید دارند که از الزامات پذیرفتن حقوق مالکیت فکری است. در حالی که مخالفان آن ظاهراً حقوق مالکیت فکری را پذیرفته‌اند اما به جای تلاش برای استیفای این حق، دم از حقوق مصرف‌کنندگان می‌زنند و به همین بهانه، کل عهدنامه را که مرتبط با مالکیت فکری است تخطئه می‌کنند. آن‌ها ظاهراً حقوق مالکیت فکری را قبول دارند اما نه برای غیر حتی اگر دامنه غیر به خود تولیدکنندگان ایرانی در خارج از کشور و نیز در ایران گسترش یابد! آن‌ها برای دفاع از برخی دیدگاه‌های نادرست خود حتی از ابراز این حقیقت ابایی ندارند که ایران در تولید اطلاعات در مجموع بر سایر کشورها برتری ندارد. پس بهتر است همین سیاست ادامه یابد! بعید نیست برخی از مدافعان این رویکرد، افرادی باشند که در زمینه تولید اطلاعات در داخل کشور ضعف یا منافع دارند و ترجمه یا انتشار ترجمه کار اصلی آن‌ها باشد و یا فکر می‌کنند صرفاً با ترجمه زبانی، همه علم و دانش جهانی را منتقل کرده‌اند! سنجش ارتقای جایگاه ایران در تولید علم و دانش جهانی براساس کمیت انتشار مقاله در خارج از کشور نشانی از همین تفکر است! خود ادعای پیشرفت علمی و فنی نیز حاکی از تعارض در رفتار و گفتار است زیرا اگر جایگاه

غیرقانونی دانسته‌اند. در واقع، عقل سلیم همه ملت‌ها و مذاهب‌ها آن را غیراخلاقی و غیرمجاز می‌دانند. در شرایطی که استفاده بدون مجوز از محتوای دیگران براساس عرف، شرع و قوانین ملی ایران و بیشتر کشورها، و نیز عهدنامه‌های جهانی غیرمجاز، غیراخلاقی و سرقت محسوب می‌شود هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که قوانین ملی که برگرفته از شرع مقدس اسلام است به گونه‌ای تنظیم شود که استفاده غیرمجاز، غیراخلاقی و سرقت از اموال و دارایی دیگران ترغیب شود و یا برعکس، دیگران محتوای فکری و مایملک شهروندان ایرانی را سرقت کنند. به واقع، چنین عملی باعث می‌شود در سطح جهانی دیدگاهی از ملت ایران مطرح شود که نه تنها مشوق سرقت از اموال و مایملک دیگر کشورهاست بلکه اجازه می‌دهد دیگران نیز اموال دانشمندان و متفکران ایرانی را به دلیل ضعف قوانین ملی سرقت کنند. از حضرت علی (ع) روایت شده است که می‌فرماید: آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران نیز می‌پسند. بدیهی است که هیچ کدام از ما انتظار نداریم اموالمان در ایران یا سایر کشورها سرقت شود. بر همین اساس، بدیهی است که نباید با دیگران آن کنیم که بر خود نمی‌پسندیم.

از جمله نتایج ناامنی در تولید و مصرف اطلاعات، ایجاد خسارت به نویسندگان و پژوهشگرانی است که صاحب آثار فکری هستند. زندگی مادی و معنوی بسیاری از نویسندگان، پژوهش‌گران، و کارکنان فکری به تولید محتواهای فکری وابسته است. بی‌توجهی به مالکیت فکری نه تنها خسارت مادی به این افراد را در پی دارد بلکه آبرو و اعتبار معنوی آن‌ها را نیز خدشه‌دار می‌کند که بسیار مورد توجه بزرگان دینی است. همین خسارت ممکن است به شرکت‌ها و نهادهایی وارد شود که برای تولید اطلاعات و نوآوری‌های علمی و فنی هزینه‌های زیادی کرده‌اند. در مجموع همه این خسارت‌ها متوجه جامعه خواهد بود زیرا جامعه را از تلاش مضاعف متخصصان و دانشمندان برای نوآوری‌های گوناگون علمی و فنی در جهت رفاه عمومی و نیز سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و نهادها در این زمینه محروم

در سازمان ملل و بسیاری از عهدنامه‌های جهانی، آن‌ها را به رسمیت شناخته و به رعایت آن‌ها متعهد شده و در این زمینه سوگند یاد کرده است. به همین دلیل، نباید عهدشکنی کند و زمینه نقض حقوق شهروندان و نهادهای ایرانی را فراهم کند و یا شرایطی را فراهم آورد که شهروندان و نهادهای ایرانی حقوق هم‌میهنان یا دیگران را نقض کنند.

۶) منافع ملی و جهانی به هم گره خورده است. به طوری که اگر شهروندان و دولت ایران نخواهند حقوق مالکیت فکری یا غیرفکری غیرایرانی‌ها را به هر بهانه‌ای مراعات کنند، حقوق خود آن‌ها نیز در سطح جهانی خدشه‌دار می‌شود. چنین راهبردی سبب می‌شود تا دولت ایران نتواند از حقوق شهروندان خود در خارج از کشور دفاع کند و بدین ترتیب اعتبار و عدالت آن زیر سؤال می‌رود. آنچه فدا خواهد شد حق و حقوق مالک یا صاحب حق است و نه استفاده‌کننده‌ای که حتی منافع وی در گرو ارتقای پژوهش و تولید همین نوع کالاهاست.

۷) راهبرد فوق سبب خواهد شد تا دولت ایران نتواند از حقوق نویسندگان، مترجمان، ناشران و مالکان اطلاعات در داخل کشور نیز حفاظت کند. زیرا به دلیل عدم عضویت ایران در عهدنامه برن، ناشران و شهروندان خارجی می‌توانند با تبدیل کتاب‌ها و محتواهای فارسی به قالب الکترونیکی، آن را به رایگان یا پولی به شهروندان ایرانی عرضه کنند. حتی ایرانی‌ها نیز می‌توانند با پنهان کردن نشانی و موقعیت خود همین نوع چالش‌ها را برای صنعت تولید و نشر محتوا ایجاد کنند که شواهد آن در حال افزایش است. در سایر حوزه‌های علمی و فنی نیز همین مناسبات حاکم است.

۸) بی‌توجهی به حقوق افراد و نهادهای کشورهای دیگر موجب می‌شود تا کشور ایران و شهروندان ایرانی به سرقت آثار دیگران متهم شوند.

۹) کشور ایران به شدت به انتقال علوم و فنون جهانی به کشور نیازمند است اما انتقال آن در صورتی میسر و متناسب با

ایران در تولید علوم و فنون جهان همان باشد که ادعا می‌شود پس پیوستن به این نوع عهدنامه‌ها نیز به نفع ایران است! زیرا صادرات اندیشه از واردات آن پیشی گرفته است!

۲) ناآگاهی سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران، و سایر مسئولان از حقوق مالکیت فکری، چه از نظر محتوا و چه از نظر اهمیت و ضرورت آن برای کشور و ارتباط آن با همه ارکان اجتماع و در نتیجه نداشتن دغدغه فکری و اجرایی در این حوزه از جمله دلایل بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آن است.

۳) حفاظت یا تضمین دسترسی جامعه به اطلاعات (یا حمایت از مصرف‌کنندگان اطلاعات) راه و روش خاص خود را دارد. دولت می‌تواند به نمایندگی از مردم برای حفاظت از منافع عمومی، تمام یا بخشی از هزینه مصرف‌کنندگان اطلاعات را پردازد که در جهان صنعتی و حتی ایران نیز مرسوم است. تأسیس کتابخانه‌های عمومی، تخصصی و دانشگاهی برای استفاده رایگان افراد از جمله این روش‌ها و ابزارهاست. تا حدی که حتی کشورهای بزرگ صادرکننده علوم و فنون نیز در این زمینه از مصرف‌کنندگان خود حمایت زیادی می‌کنند. هزینه تأمین منابع خارجی در قیاس با منافع توجه به مالکیت فکری نیز ناچیز است.

۴) هر راه و روش پیشنهادی برای تضمین دسترسی افراد به اطلاعات نباید ناقض حقوق مالکیت افراد یا نهادها باشد. به عبارت دیگر، اصل بر حفظ حقوق مالکیت است و نه نقض آن. زیرا اگر تولیدکننده‌ای نباشد مصرف و مصرف‌کننده‌ای نیز نخواهد بود. منافع کیفیت تولید و رعایت منافع تولیدکنندگان بیش از هر چیز برای کشور و مصرف‌کنندگان آن است؛

۵) مالکیت افراد و نهادها در سطح ملی و جهانی، یا حقوق مالکیت نوع انسان باید محترم شمرده شود: ایرانی یا غیرایرانی. رعایت حقوق انسانی نه تنها در دین و مذهب و آداب و رسوم ملت ایران توصیه شده است بلکه کشور ایران بارها و بارها در اسناد و مدارک جهانی به‌ویژه با عضویت

ویژه است و ارزش افزوده آن با تولیدکنندگان محتواهای فکری برای انتقال علوم و فنون قابل قیاس نیست.

(۱۱) بهترین راه مقابله با چالش‌های ذکرشده، عضویت ایران در عهدنامه‌های جهانی مرتبط با مالکیت فکری و احترام به حقوق مالکیت فکری در سطح ملی و جهانی است.

(۱۲) لازمه اجرای این سیاست‌ها و راهبردها، تغییر اساسی در نگرش جامعه و مدیران نسبت به تولید علم و دانش از طریق آموزش، تحقیق، پژوهش، نوآوری، و انتقال علوم و فنون است. همه چیز باید در راستای تشویق افراد و نهادها به تولید علم و دانش و تبدیل آن‌ها به فناوری‌های موردنیاز جامعه باشد. حتی مصرف اطلاعات نیز در یک فرایند آموزشی و پژوهشی و در جامعه‌ای بیشتر می‌شود که مشوق تولید اطلاعات و تبدیل آن به علوم و فنون کاربردی برای فرد یا جامعه باشد. به عبارت دیگر، مصرف اطلاعات، خود، در یک فرایند انباشتی قرار می‌گیرد که نتیجه نهایی آن تولید کالاها و خدمات اطلاعاتی یا ایجاد بهره‌وری بیشتر در رفتار فردی و اجتماعی است. تولید و مصرف اطلاعات در چرخه واحدی هستند که باهم رابطه ناگسستی دارند. به همین دلیل، احترام به مالکیت فکری و تضمین حفاظت از منافع آن در نهایت هم به نفع تولیدکنندگان اطلاعات است و هم مصرف‌کنندگان آن. زیرا همه مصرف‌کنندگان اطلاعات به شکلی دیگر و در فرایندی جداگانه، تولیدکننده اطلاعات و دانش هم خواهند بود. البته برون‌داد این اطلاعات به شکل‌های گوناگون ذهنی و عینی خواهد بود. آنچه در این فرایند اهمیت مضاعف دارد کیفیت تولید اطلاعات و برون‌دادهاست: کالاهای فکری نقطه اوج برون‌دادهای فکری و مهارت‌های شناختی است که حمایت از آن در واقع حمایت از آموزش، پژوهش، نوآوری‌های علمی و فنی، و در مجموع، پشتیبانی از کیفیت تولید و حتی مصرف اطلاعات است.

(۱۳) در نهایت این که، ترویج علم و دانش در درجه اول به حمایت از تولیدکنندگان محتوا و علوم و فنون و نهادهای

نیاز ملی خواهد بود که خود در یک فرایند پژوهشی و علمی و اجرایی متناسب با آن قرار گیرد. مجموعه قوانین و مقررات حقوقی و ملی نیز باید از تولیدکنندگان علوم و فنون و انتقال‌دهندگان ملی و جهانی حمایت کند. زیرا در یک فرایند علمی و پژوهشی است که پژوهش‌گران یا انتقال‌دهندگان علوم و فنون براساس یک سؤال پژوهشی و حرفه‌ای، که اغلب برخاسته از یک نیاز ملی است، به منابع داخلی و خارجی رجوع می‌کنند. این منابع می‌تواند مستندات یا اطلاعات علمی و فنی باشد و یا حتی مشاهده سایر دستاوردهای علمی، فنی، فرهنگی، فرایندهای کاری و غیره در سطح ملی و جهانی. به عبارت دیگر، علوم و فنون قابل انتقال، هم می‌تواند اطلاعات و دانش علمی و فنی باشد و یا تولید کالاها و خدمات تازه با استفاده از این اطلاعات. بازتولید، بازطراحی، اصلاح فرایندها/ روش‌ها/ نرم‌افزارها / نظام‌ها و غیره همگی بخشی از فرایند انتقال علوم و فنون است که هم به دانش علمی و فنی زیادی نیاز دارد و هم لازمه آن همکاری افراد، شرکت‌ها و نهادهای صاحب علوم و فنون با یکدیگر است. همکاری فعالانه دانشمندان، مهندسان، متخصصان داخلی و نیز پشتیبانی افراد، نهادها و کشورهای صاحب علوم و فنون از آن‌ها در صورتی تضمین خواهد شد که مالکیت مادی و معنوی هر فرد و نهادی (چه داخلی و چه خارجی) مورد احترام باشد و از سوی افراد و نهادهای ملی رعایت شود. در واقع، به مجموعه‌ای از سازوکارهای حقوقی در یک بستر اقتصادی و اجتماعی مناسب نیاز دارد.

(۱۰) در مجموع، ضررهای تضييع حقوق مالکیت فکری نویسندگان و پژوهش‌گران، چه ایرانی و چه خارجی، به مراتب بیش از منافع برخی از افراد و گروه‌های خاص در ترجمه برخی از آثار و مصرف آن است که می‌توان بخش زیادی از آن را جبران کرد. ضررهای این راهبرد بیشتر منافع فردی و عمومی را در سطح ملی و جهانی هدف قرار داده است. همچنین، ضررهای احتمالی عمدتاً خاص گروه‌های

دانشی در همه سطوح نیازمند است. چون بدون آن‌ها اساساً علم و دانش به مقدار کافی تولید و حتی مصرف نمی‌شود. نکته مهم دیگر این که قوانین ملی و جهانی مرتبط با «استفاده منصفانه» ضامن حقوق مصرف‌کنندگان اطلاعات و نیز انتقال علوم و فنون است. به عبارت دیگر، حمایت از مالکیت فکری در سطح ملی و جهانی متضمن تولید و مصرف اطلاعات و انتقال علوم و فناوری نیز هست. ضررهای ناشی از ناامنی در این زمینه بیش از هر چیز متوجه کل جامعه، از جمله مصرف‌کنندگان انواع کالاها و خدمات دانشی و حتی همه انواع کالاها و خدمات غیردانشی خواهد شد.

#### منابع

- آدیداس از ایران ۶۵۰ هزار دلار می‌خواهد (۱۳۹۵). همشهری، ۸ شهریور، ش. ۶۹۰۳.
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۹۴). تاریخ ترجمه در ایران: از آغاز تا پایان قاجار. تهران: ققنوس.
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۱). مبانی نشر کتاب. تهران، سمت.
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۹). نشر و انقلابی در راه. تهران، جهان کتاب.
- آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان

- (۱۳۵۰). روزنامه رسمی: شماره ۷۸۵۶-۲۷/۱۰/۱۳۵۰.
- امامی، کریم (۱۳۸۵). درگیر و در کتاب و نشر. گردآوری عبدالحسین آذرنگ و ایران‌ناز کاشیان. تهران: نیلوفر.
- بوستانی، رضا (۱۳۹۵). رمز کامیابی اقتصادی ایران. دنیای اقتصاد، ۴ مهر ۱۳۹۵. ص. ۱.
- بیان‌فر، علی و عماد خراسانی، نسرین دخت (۱۳۸۷). حقوق نسخه‌برداری در آئینه قضاوت. تهران: کتابدار.
- درخواست برای ثبت زغال‌اخته به نام الموت (۱۳۹۵). همشهری، ۱۴ شهریور، ش. ۶۹۰۸، ص. ۷.
- قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸). روزنامه رسمی. شماره ۷۲۹۰-۲۳/۱۱/۱۳۴۸.
- محسنی، حمید (۱۳۸۸). نشر و اطلاع‌رسانی. تهران، کتابدار.
- محمدیگی، علی اعظم (۱۳۷۶). ارزیابی پیامدهای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در حوزه کپی‌رایت. در مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- TRIPS — Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights.  
Accessed at:  
[https://www.wto.org/english/tratop\\_e/trips\\_e/trips\\_e.htm](https://www.wto.org/english/tratop_e/trips_e/trips_e.htm) 19 July 2023  
WIPO at:  
<https://www.wipo.int/portal/en/index.html> 19 July 2023.

## International treaties related to intellectual property rights and Knowledge-base development in Iran

Hamid Mohseni

*Faculty member of the Imam Khomeini Higher Education Center, Agricultural Research, Education and Extension Organization, Karaj, Iran*

**Email:** : nashreketabdar@gmail.com

### Abstract

This article is about the importance of intellectual property in knowledge-based development and the most important reasons for Iran's membership in international treaties related to intellectual property and copyright. The views of possible opponents of membership in these conventions and negligence in the implementation of national laws have also been analyzed.

Among the important questions is whether the hypothetical and claimed "interests or benefits" of the opponents are based on the legal, human, religious, and universal "rights" of consumers or producers of information or not? Are there better solutions to protect the "interests or benefits" and "rights" of all people and society as much as possible?

In this article, it was argued that the continuation of the current policies of the government in the field of intellectual property is in conflict with human rights at the national and global level; It is also illegitimate and against religious documents; It is in conflict with reason and logic; It is in conflict with the interests/ benefits of people in Iran; And it is contrary to national and global experiences. It is also against the interests/ benefits of information consumers. It was also argued that the interaction and simultaneity of some technical and social changes, especially in the information, communication and publishing industry, has caused disruption in the national market of production and consumption of knowledge and non-knowledge goods and services under the pretext of Iran's non-membership in these treaties; and the whole society will face big challenges.

**Keywords:** intellectual property rights; international treaties; knowledge-based development; knowledge transfer; Copyright.